

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

تی پری میسان- par Thierry Meyssan

برگردان از: حمید محوی

۲۰۱۵ می ۰۴

مصاحبه مستقیم با ولادیمیر پوتین

Ligne directe avec Vladimir Poutine

مقامات روسی به ندرت درباره جهان بینی خودشان مطلبی منتشر می کنند. ولی برنامه پخش تلویزیونی «تماس مستقیم» با ولادیمیر پوتین فرصت کمی یابی بود برای ارزیابی سیر تحولی درک مسکو از جهان پیرامون. فراسوی مهارت و کاردانی رئیس جمهور روسیه که طی ۴ ساعت به پرسش های هم میهنانش پاسخ گفت، می توانیم نتیجه بگیریم که روسیه از تنظیم مناسباتش با ایالات متحده صرف نظر کرده و خود را برای انزوای دراز مدت از غرب آماده می کند.

شبهه بین المللی ولتر / دمشق (سوریه) // ۲ می ۲۰۱۵



در حالی که رئیس جمهور اوپاما از پاسخ به پرسش های هم میهنانش اجتناب می کند و تنها به تله پرامپتر بسنده می کنند و غالباً در مقابل دوربین متن از پیش آماده شده ای را می خواند، رئیس جمهور پوتین جلسه طولانی پرسش و پاسخ با مردم میهنش را به شکل آزاد برگزار کرد.

۱۶ اپریل گذشته، ولادیمیر پوتین آزمون شگفت آوری را پشت سر گذاشت: پاسخگویی طی ۴ ساعت پیاپی به پرسش های هم میهنانش که به شکل مستقیم روی سه شبکه تلویزیونی و سه ایستگاه رادیو پخش می شد. سازمان دهندگان طی این برنامه بیش از ۳ میلیون تماس تلفونی دریافت کردند و ۷۴ پرسش برای رئیس جمهور برگزیده شد (۱). حتی اگر ظاهراً برخی پرسش ها از پیش آماده شده بود، پرسش های دیگری به شکل آزاد و پیشبینی نشده مطرح گردید. روشن بود که واکنش های ولادیمیر پوتین مشخصاً نظریاتش را بازتاب می دهد.

چگونگی حکومت

پیش از هر مطلبی، رئیس‌جمهور بینش خود را در مورد مؤسسات مطرح کرد بی آن که به مقولات غربی «جمهوری» (خدمات برای منافع عمومی) یا «دموکراسی» (دولت مردم توسط مردم)، و نه حتی نظریات مشاورش ولادیسلاو سورکوف Vladislav Sourkov در مورد «دموکراسی حاکم» (یعنی مدیریت مردمی بی آن که مداخله خارجی وجود داشته باشد) مراجعه کند.

از دیدگاه او، نقش دولت کمک کردن به شهروندان و مدیران سیاسی برای حفظ وحدت مردم و ثبات است. او چنین توضیح داد که حتی برخی تصمیم‌هایی را که از نظر عقلی مطلوب به نظر می‌رسیده به دلیل مختل ساختن وحدت ملی کنار گذاشته است. به همین گونه با تغییر دائمی قوانین مخالف است زیرا به باور او مردم نمی‌توانند به رهبرانی که دائماً قاعده بازی را عوض می‌کنند اعتماد داشته باشند، و کاملاً نسبت به شیوه مدیریت غربی با تخفیف مالیاتی طبقه بندی شده و کمک‌های متناسب با درآمدها بی‌اعتنائی باقی ماند. به عکس او نقش خود را در سازماندهی طرح‌های بزرگ و مبتکر اصول و موازین در ساده‌ترین اشکال ممکن جست و جو می‌کند.

سیاست اقتصادی

مانند تمام کشورهای، پرسش‌های شهروندان ابتداء روی مسائل اقتصادی تمرکز داشت. روسیه به دلیل محاصره غرب در حال گذراندن بحران وخیمی می‌باشد (یعنی به دلیل مجازات‌های اعلام شده) و کاهش قیمت جهانی نفت. قدرت خرید بازنشستگان حفظ شده، ولی به دلیل تورم، قدرت خرید فعالان ۱۰٪ کاهش داشته است. برای ولادیمیر پوتین، مسأله اصلی به کاهش بهای نفت مرتبط است که به سقوط درآمدها انجامیده. او فکر می‌کند که کشورش باید با این وضعیت جدید که ممکن است به طول بینجامد انطباق یابد. به عکس، محاصره به هیچ عنوان موجب کاهش ثروت کشور نخواهد شد، ولی باید بر اساس داده‌های جدید دوباره سازماندهی شود. محاصره حتی پس از دوران رقابت سر سخنانه‌ای که در پی پیوستن به سازمان بازرگانی جهانی روی داد، می‌تواند به عنوان زنگ فراغت تلقی شود. روسیه از این وضعیت باید برای نجات کشاورزی اش استفاده کند که به شکل ویژه‌ای مورد تهدید قرار گرفته است. روسیه باید این اقدام را جدی بگیرد نه تنها برای کشاورزان روس بلکه به همچنین به دلیل اهمیت ستراتیژیک آن برای روسیه. محاصره نشان داد که کشور خودکفائی کافی نداشته و امنیت غذایی می‌تواند مورد تهدید قرار گیرد. ولادیمیر پوتین فکر نمی‌کند که اقدامات غربی‌ها — به انضمام اقدامات آنها در زمینه قرض‌های خصوصی برای مقروض ساختن دولت — برای نظام بانکی روسیه تهدیدی به حساب بیاید. او تخمین زده است که می‌تواند تا پیش از پایان سال ۲۰۱۶ روپل را به وضعیت ثبات بازگرداند.

سیاست خارجی

ولادیمیر پوتین در تعریف سیاست خارجی اش نشان می‌دهد که بلند پروازی امپراتوری ندارد. او حتی اتحاد جماهیر سوسیالیستی شوروی را به باد انتقاد گرفت که الگوی اقتصادی خود را به هم پیمانانش تحمیل کرده و بر این باور است که امروز روسیه بهای چنین اشتباهاتی را می‌پردازد. با این وجود او روی مسؤلیتی تأکید داشت که برای حفاظت از تمام آنهایی که گذرنامه روسی دارند یا ندارند و خودشان را از دیدگاه فرهنگی به عنوان روس تعریف می‌کنند، به عهده دارد.

وقتی از او خواستند که دشمنان روسیه را مشخص کند، ولادیمیر پوتین از تروریسم، خارجی ستیزی و سازمان های جنایتکار یاد کرد و گفت که کشور او هیچ کشوری را به عنوان دشمن معرفی نمی کند، و از کشورهای دیگر خواهش کرد که نظرشان را در این مورد بگویند.

با بیان چنین امری، او ایالات متحده را به عنوان یک امپراتوری تعریف کرد و حتی اگر رسماً چنین چیزی را به زبان نیاورد، ولی امریکا را متهم دانست که متحدی ندارد و تنها خدمتگزارانی را در خدمت دارد، و یادآور شد که امریکائی ها بوریس یلتسین را ستایش می کردند ولی به محض این که در یوگوسلاوی در مقابلشان ایستادگی کرد، در این جا بود که شروع کردند به ناسزاگویی به او. به طور کلی، ولادیمیر پوتین همان سرزنشی را سزاوار آنها می دانست که نسبت به اتحاد جماهیر سوسیالیستی شوروی ابراز می داشتند، یعنی تحمیل الگوی اقتصادیشان به دیگران. و نتیجه گرفت که امریکائی ها نیز به همین شکل بهای این اشتباه را خواهند پرداخت.

در مورد اوکراین، او واشنگتن را مسؤول عوام فریبی و تحریف مشکلات مردم می داند و این که ناسیونالیسم را تحریک کرده است. در نتیجه، آنها روسیه را که ۳۲ میلیارد دلار در کشورشان سرمایه گذاری کرده بود به عنوان دشمن تلقی کردند ولی ایالات متحده را متحد خودشان دانستند در صورتی که تنها ۵ میلیارد دلار سرمایه گذاری کرده بود. او گفت که روسیه به دلایل سیاست داخلی محلی بازنده شد، بی آن که مشخصاً بگوید که کدام هم پیمانان قدیمی متحد اوکراینی ها در کشورش زیر علامت سؤال هستند. برای ولادیمیر پوتین موضوعی که اهمیت دارد نجات مردم روس دونباس و لوگانسک است، به همین دلیل می خواهد توافقات مینسک را به اجراء گذارد.

ولادیمیر پوتین سه سازمان را به عنوان هم پیمان روسیه معرفی می کند :

(۱) بریکس

(۲) سازمان همکاری شانگهای

(۳) و سازمان همکاری امنیت مشترک که یک اتحادیه نظامی است

ولی اتحادیه اقتصادی اوراسیائی در جمع هم پیمانان معرفی نشد زیرا هنوز در دوران جنینی به سر می برد.

سیاست دفاعی

رئیس جمهور پوتین از الکساندر سوم تزار روسیه به نقل آورد و گفت که تنها متحد واقعی روسیه ارتش نیروی زمینی و نیروی دریائی روسیه است. او گفت که قدرت هسته ای کشورش تقریباً معادل ایالات متحده است و نتیجه گرفت که از این دیدگاه هر یک از طرفین می تواند حرف دیگری را درک کند. سرانجام او اعلام کرد که تا سال ۲۰۲۰ هفتاد درصد جنگ افزارهای روسیه به روز خواهد شد. ارتش روسیه قدرت قدیمی خود را باز خواهد یافت.

در مورد میسترال های سفارشی به فرانسه، او یادآوری کرد که موضوع بیشتر کمک رسانی به شرکت کشتی سازی فرانسه است تا پاسخگویی به نیاز روسیه، به شکل مؤدبانه رشوتی را که بین نیکلا سرکوزی و دمیتری مدودف تقسیم شده بود به زبان نیاورد (که می خواست با بلند پروازی علیه او در انتخابات ریاست جمهوری شرکت کند). او اعلام کرد که تنها مبلغ پرداخته شده را درخواست خواهد کرد اگر میسترال ها به روسیه تحویل داده نشود و در ادامه اضافه کرد که باید بپذیریم که حاکمیت و اعتبار فرانسه از وقتی که وارد ستاد فرماندهی ناتو شده همانی نیست که در گذشته بود.

در پاسخ به پرسشی که در مورد امارات اسلامی مطرح شده بود، او گفت که این سازمان از عراق سر بیرون آورد و با چندین نظامی عراق که به دلیل اشغال کشور توسط ایالات متحده و قدرتی که سر کار گذاشته بود به حاشیه رانده شده

بودند، تقویت شد. ولادیمیر پوتین در مورد خطری که تابعین روس و آنهایی که به شوروی سابق تعلق داشته اند هشدار داد که به داعش پیوسته اند و می توانند در بازگشت به کشور هایشان دست به اعمال تروریستی بزنند.

پیروزی بنیانگذار علیه نازیسم

ولادیمیر پوتین اشارات متعددی به «جنگ بزرگ میهنی» یعنی به جنگ دوم جهانی و مبارزه علیه نازیسم داشت. از دیدگاه او در واقع این جنگ حرکت بنیادی روسیه مدرن بوده، یعنی حرکتی از سوی مردمان بسیار متنوع که برای کسب آزادی مشترکشان متحد شدند. با طرح چنین نظریه ای، او می پذیرد که انقلاب ۱۹۱۷ و ایجاد فدراسیون در سال ۱۹۹۱ رویدادهای متحد کننده ای نبوده است.

چنین مراجعاتی او را وادار می سازد که حضور نازی هائی که در کی یف به قدرت رسیده اند را افشاء کرده و در عین حال هر گونه مذاکره ای با آنها را منتفی بداند، در حالی که اتحادیه اروپا با آنها به راحتی کنار می آید. اشارات ولادیمیر پوتین در عین حال به این معنا خواهد بود که ایالات متحده جانشین رایش سوم است، یعنی موضوعی که پیش از این نیز مطرح کرده بود و موجب تحریک بحث و جدل تند و تیزی شد.

۱۶, April 2015. [Direct Line with Vladimir Putin ,”by Vladimir Putin ,Voltaire Network]^{۱۴}